

بررسی و تبیین جرم انگاری انکار زوجیت یا ادعای زوجیت

و ضرورت جرم انگاری در این راستا

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۳/۲۶)

مسعود براتیه

چکیده

انکار و اثبات رابطه زوجیت، یعنی یکی از طرفین منکر رابطه زوجیت با طرف دیگر شده و ادعا می کند، عقد نکاحی میان او و طرف مقابل منعقد نشده است. در این حالت، اثبات زوجیت بر عهده مدعی وجود نکاح می باشد. عدم ثبت ازدواج، موجب شانه خالی کردن طرفین از بار مسئولیت ازدواج شده و در بسیاری از موارد موجب انکار عقد نکاح میان طرفین می شود. درواقع در نکاح دائم می توان به هریک از روش های اثبات رابطه زوجیت، استناد کرد و درصورت تشخیص قاضی و مرجع قضایی، اثبات نکاح دائم، با روش های بالا امکان پذیر است. با وجود این موارد، ساده ترین راه اثبات رابطه زوجیت در نکاح دائم، ارائه سند کتبی ازدواج یا همان عقدنامه می باشد. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله قصد داریم به پردازیم. روش تحقیق از نوع تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری و بهره از کتب و مقالات مرتبط است.

واژگان کلیدی: انکار زوجیت، جرم انگاری، ادعای زوجیت، عقد نکاح، زوج و زوجه

بخش اول: بررسی و تعریف جرم انگاری

تبیین جرم انگاری مستلزم شناخت مفاهیم لغوی و اصطلاحی این اصطلاح است. این واژه که در حقوق کشورهای اروپایی و آمریکایی از حدود سالهای ۱۹۶۰ به بعد به طور جدی مراحل سیر شناخت و سیر تحول و تکامل خود را سپری کرده است در حقوق ایران در سالهای اخیر به صورت جدی تر مطرح شده است و بدین لحاظ در خصوص منبع شناسی و به طور کلی شناخت کلی این اصطلاح و اصول حاکم بر پروسه جرم انگاری و جرم زدایی امروزه بحث های زیادی در حقوق کشورهای مدرن اروپایی و آمریکایی وجود ندارد و تنها در مواردی که وقایع جدید یا منسوخ و کهنه اجتماعی بسته به مورد باید جرم دانسته شود یا از آن سلب عنوان مجرمانه گردد به این مفاهیم رجوع می کنند.

همان طور که مشخص است اصطلاح مرکب جرم انگاری تشکیل شده از دو کلمه «جرم» و «انگاری» که مصدر آن انگاشتن و به معنی تصور، پندار، گمان، فرض و... می باشد و در مجموع منظور از آن تلقی کردن اعمال و رفتارهایی تحت عنوان عمل مجرمانه است. در انگلیسی برای کلمه جرم انگاری معادل criminalization و در مقابل آن decriminalization را به معنی جرم زدایی به کار برده اند.

جرم انگاری فرآیندی است حقوقی و گزینشی که طی آن قانونگذار یک کشور رفتاری را با توجیه مبنایی خاص (مثلا حفظ ارزش های اجتماعی، نظم عمومی، مبانی اخلاقی مذهبی و...) جرم تلقی و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین می کند. در این فرآیند باورها و رفتارها به وسیله جرم و کیفر از طریق قانونگذاری و یا آراء قضایی تغییر شکل می دهند^۱ که البته باید اشاره کرد قدرت دادگاه ها برای ایجاد قوانین جدید معمولا توأم با ناامیدی خواهد بود. بسیاری از حقوق دانان کلاسیک به ضرورت تطبیق قوانین وضع شده با عوامل عینی به طور عام تاکید کرده اند.

^۱ Michalowski, R. J. Order, Law and Crime: An Introduction to Criminology. New York: Random House.

مثلا منتسکیو در فصل بیست و یکم کتاب روح القوانين می نویسد: «به عقیده من تمام قانونگذاران باید این موضوع را در نظر داشته باشند و بدانند قوانین باید طوری وضع شود که با اخلاق و رسوم و عادات مردم تناسب داشته باشند. بنابراین جرم انگاری فرآیند است چرا که تصویب عنوانی مجرمانه نیازمند شور و مشورت و ملاحظه بسیاری از جنبه های فردی و اجتماعی است. گزینشی است زیرا دولت از میان رفتارهای ناقض هنجارهای پذیرفته شده یا اخلال کننده در زندگی فردی و اجتماعی، برخی را در دایره کیفری قرار می دهد و نه همه را. پایه این گزینش گری آن مبانی و اصولی است که برای مداخله دولت وجود دارد. در مجموع سوال اصلی آن است که دامنه، محدوده و مسئولیت حقوق جزا تا کجاست و این گزینش به چه شکل انجام می شود؟

گزینشی بودن جرم انگاری نشان از وجود مسائل پراهمیتی دارد که قانونگذار باید در هنگام جرم انگاری بدان توجه کند. به اعتقاد برخی بهترین راه برای رسیدن به پاسخ پرسش مذکور مطالعه و بررسی محدودیت ها و قید و بند های اخلاقی است که ممکن است در جرم انگاری پاره ای از رفتارها موثر واقع شوند. جرم انگاری برخی از رفتارها بدون آنکه آسیب جدی به شخص یا جامعه وارد کند، یا نزد عموم قبیح، نادرست و غیر مشروع باشد، یا بدون آنکه مرتکب عمل فوق شایسته و مستحق مجازات و کیفر باشد و بالاخره تصور حالتی با ترکیب موارد یاد شده در مجموع موجه به نظر نمی رسد. پس یکی از راه حل ها می تواند تقلیل محدودیت های اخلاقی حقوق جزا باشد که اگر این امر به توصیه و دستور خط مشی گذاران و سیاستون یک کشور باشد دامنه آن گسترده تر و توام با نتایج بهتری خواهد بود. اگر ما فکر می کنیم اصول محدود کننده برای جرم انگاری اعمال و رفتارها وجود دارد که این فرآیند را به تعبیری گزینشی می کند برای توجیه و فهم جرم انگاری نباید در حسرت درک و شناخت این مفهوم باشیم. به عبارت بهتر با مفهوم اصول حاکم بر جرم انگاری که بدان اشاره خواهد شد شناخت واقعی این مفهوم آسانتر خواهد بود. در واقع رسالت اصلی حقوق جزا در درجه اول آن است که تعیین کند چه رفتاری باید در قلمروش

قرار گیرد و کدام رفتار به حوزه های ملایم تر جامعه واگذار شود. از طرف دیگر وظیفه حقوق جزا کاستن از میزان جرایم با زائل کردن وصف مجرمانه، واگذاری آن به خارج از قلمرو حقوق جزا و یا عرصه عمومی اجتماع است. هدف دیگر حقوق جزا تعیین مجازات و کیفر است و از همین رو به عنوان یکی از پایه های سیاست جنایی مطرح می شود.

بخش دوم: بررسی و تحلیل جرم انگاری انکار زوجیت یا ادعای زوجیت

بند اول: نگاهی به سابقه تقنینی موضوع

قانون راجع به انکار زوجیت مصوب ۱۳۱۱/۲/۲۰ در سه ماده ادعا یا انکار زوجیت را جرم انگاری نموده است. مطابق مادهی اول این قانون «هرگاه مردی در مقابل دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج اعم از صداق و نفقه و... انکار زوجیت کند و بعد معلوم شود این انکار بی اساس بوده، محکمه ای که به دعوی رسیدگی می نماید مرد را علاوه بر تأدیهی حقوق مالی، به یازده روز الی دو ماه حبس تأدیبی و پانصد تا هزار ریال جزای نقدی و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد نمود. حکم فوق دربارهی کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد، طرف دعوی ارث یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد ازدواج شده و با علم به زوجیت زن آن را انکار نمایند.»

مادهی ۲ این قانون به ادعای زوجیت برخلاف واقع اختصاص دارد و چنین مقرر داشته است: «هر زنی که برخلاف واقع ادعای زوجیت و مطالبهی حقوق مالی ناشی از ازدواج کرده و همچنین کسی که به عنوان قائم مقام قانونی زنی، برای مطالبهی حقوق ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامهی دعوی نماید به مجازات حبس از یازده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از صد تا هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

قانون راجع به انکار زوجیت تحول دیگری نداشته و با توجه به عدم نسخ صریح یا ضمنی آن، همچنان رکن قانونی این جرائم را تشکیل می دهد.^۱

لازم به ذکر است که ماده ۴۹ لایحه جدید حمایت خانواده نیز به این امر اشاره دارد. به

^۱ زکوی، مهدی، بزه دیدگان خاص در حقوق خانواده، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۹۵

موجب ماده فوق: «هر کس در دادگاه را انکار کند و بعداً ثابت شود که این انکار بی‌اساس بوده یا برخلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعوای حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود».

با توجه به مواد ۱ و ۲ قانون راجع به انکار زوجیت در تعریف این دو جرم می‌توان گفت: انکار زوجیت موجود به قصد عدم ایفاء تعهد مالی ناشی از زوجیت و ادعای زوجیت غیر موجود به قصد استفاده‌ی مالی از تعهدات ناشی از زوجیت، با این وصف ارکان جرائم مذکور به شرح زیر است:

رفتار فیزیکی جرم انکار زوجیت و ادعای زوجیت مثبت است که عبارت است از هر فعل یا گفتار به شرط آن که صراحتاً مؤید انکار زوجیت یا ادعای بر آن باشد و شرط اخیر، در شرایط لازم برای تحقق جرم می‌گنجد. شرط لازم دیگر، جنسیت مرتکب است که در انکار زوجیت، زوج یا وراث قانونی وی منکر زوجیت می‌باشند و در ادعای زوجیت نیز زن یا قائم مقام وی.^۱

شرط لازم دیگر این است که انکار در مقابل دعوی مالی صورت گیرد که زوجه به طرفیت زوج یا وراث او مطرح نموده است و در ادعای زوجیت این ادعا باید با مطالبه‌ی حقوق مالی ناشی از ازدواج همراه باشد. این که چرا قانون‌گذار به صرف مطالبه‌ی مالی توجه نموده است ناشی از نوع تعیین مرتکب است زیرا در انکار زوجیت، زوج مرتکب جرم می‌باشد و دعوای زوجه نسبت به زوج ناشی از رابطه‌ی زوجیت اگر مربوط به فرزند نباشد، صرفاً مالی است. به عکس دعوای زوج نسبت به زوجه ناشی از رابطه‌ی زوجیت، دعوی غیر مالی است مانند الزام به تمکین یا منع اشتغال. بنابراین ادعای زوجیت به منظور کسب منفعت مالی صرفاً از ناحیه‌ی زوجه به عمل می‌آید و انکار زوجیت به منظور نفی مطالبات مالی، صرفاً از طرف زوج قابل تحقق است. اما این که چرا مقنن انکار زوجیت از سوی زوجه و ادعای زوجیت از

^۱ ساکت، محمد حسین، حقوق شناسی، دیپاچه ای بر دانش حقوق، نشر ثالث، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۴۸۵

سوی زوج را جرم انگاری ننموده است محل اشکال است.

این که آیا جرم موضوع بحث، مخصوص نکاح دائم است یا نکاح موقت را نیز در بر می‌گیرد، محل تأمل است. صدر ماده‌ی یک قانون راجع به انکار زوجیت در خصوص دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج، صداق، نفقه را از باب تمثیل آورده و با ذکر واژه‌ی «و غیره» راه ورود دعاوی مالی دیگر را باز گذارده است. ممکن است گفته شود ذکر مثال نفقه، نشان دهنده‌ی اختصاص این جرائم به نکاح دائم دارد زیرا مطابق ماده‌ی ۱۱۱۳ ق. م در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد. اما باید گفت اولاً جمع مثال‌های مالی مندرج در ماده‌ی یک برای تحقق جرم لازم نیست و این درحالی است که در عقد منقطع، صداق موجود است و حتی از شرایط صحت عقد می‌باشد. از سوی دیگر مطابق ماده‌ی ۱۱۱۳ ق. م در عقد منقطع نیز می‌توان شرط نفقه کرد یا عقد را مبنی بر الزام مرد به پرداخت نفقه به زن جاری ساخت. بنابراین با عنایت به اصطلاح «عقد ازدواج» در ماده‌ی اول و «زوجیت» در ماده‌ی ۲ قانون راجع به انکار زوجیت، دائمی بودن نکاح مورد انکار یا مورد ادعا، شرط تحقق جرم نمی‌باشد. نکته‌ی متفاوت و قابل بحث در مواد اول و دوم قانون راجع به انکار زوجیت، آوردن قید «وراث» زوج برای جرم انکار زوجیت و درج قید «قائم مقام قانونی» زن در جرم ادعای زوجیت است. قائم مقام کسی است که به جانشینی از دیگری حقوق و تکالیفی پیدا می‌کند خواه برای اجرای هدف او کار کند مانند نماینده‌ی تجارتنی یا برای اجرای هدف خود مانند وراث نسبت به ترکه و خریدار نسبت به مبیع پس از بیع. بنابراین قائم مقام عامتر از عنوان وارث است و آن را نیز دربر می‌گیرد.^۱

در خصوص مطلق یا مقید بودن جرم فوق با توجه به نگارش ماده‌ی یک «و بعد معلوم شود این انکار بی‌اساس بوده»، به ذهن متبادر می‌شود که احراز واهی بودن انکار یا ادعا، نتیجه‌ی جرم است اما با رد این برداشت باید گفت قید فوق در واقع طریق احراز جرم است چون در انکار زوجیت تا وقتی بی‌اساس بودن انکار احراز نشود، جرم تحقق نیافته است. این قید در

^۱ اعزازی، شهلا، جامعه شناسی خانواده، نشر روشنگران، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۷۹

ماده‌ی ۲ به صورت «بر خلاف واقع ادعای زوجیت و... کرده» آورده شده است که بر خلاف واقع بودن باید توسط دادگاه احراز شود. بنابر این جرائم انکار زوجیت یا ادعای زوجیت، از جرائم مطلق است که نیاز به تحقق نتیجه‌ی خاص ندارد.^۱

رکن معنوی جرم انکار یا ادعای زوجیت، از سوء نیت عام و خاص تشکیل شده است. سوء نیت عام اراده بر انکار یا ادعای زوجیت است که باید با علم به وجود رابطه‌ی زوجیت (در انکار) و عدم وجود رابطه‌ی زوجیت (در ادعا) همراه باشد. نکته‌ی قابل توجه آن است که در مورد ورثه‌ی مرد یا قائم مقام قانونی زن، به وجود علم اشاره شده است. در ماده‌ی یک آمده است: «... حکم فوق درباره‌ی کسانی نیز جاری است که پس از فوت مرد طرف دعوی ارث یا حقوق مالی دیگر ناشی از عقد و ازدواج شده و با علم به زوجیت زن آن را انکار نماید.» و در ماده‌ی ۲ مقرر شده است: «... همچنین کسی که به عنوان قائم مقام قانونی زن برای مطالبه‌ی حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج با علم به عدم زوجیت اقامه‌ی دعوی کند...» اما در خصوص زن یا مردی که مدعی یا منکر زوجیت خود شده‌اند به وجود علم تصریح نگردیده است. در تحلیل این رویکرد مقنن باید گفت در خصوص زن و زوج مرتکب نیز وجود علم به عدم رابطه‌ی زوجیت یا وجود آن ضروری است، معهذا از آنجا که امکان ندارد انسان از عقد نکاحی که منعقد ساخته است بی‌اطلاع باشد یا نداند که با دیگری رابطه‌ی زوجیت ندارد، علم آن‌ها مفروض دانسته شده است. با این وصف در خصوص وراثت مرد یا قائم مقام قانونی زن اصل بر عدم علم است و دادگاه باید علم آنان را به وجود یا عدم رابطه‌ی زوجیت احراز نماید اما در خصوص مرتکبین اصلی، اصل بر علم آن‌هاست و چنانچه مدعی جهل می‌باشند باید جهل خود را به اثبات برسانند. مانند آنکه مرد مدعی شود قرار بوده عاقد زن را به عقد نکاح برادر او در آورد و او نیز چنین تصور می‌کرده است و به هر حال باید بتواند تصور اشتباه خود را به اثبات برساند تا تبرئه شود. توجه به این نکته نیز لازم است که در ماده‌ی یک نگفته است «اگر نتواند دعوی را به اثبات برساند» بلکه گفته:

^۱ احیاتی، علی عباس، حقوق خانواده، نشر میزان، چاپ پنجم، پاییز ۱۳۸۹، ص ۳۷

«بی اساس بودن انکار معلوم شود» یعنی انکار باید بی اساس باشد. پس علم مرتکب جرم انکار زوجیت بر وجود رابطه‌ی زوجیت و علم مرتکب جرم ادعای زوجیت بر عدم وجود رابطه‌ی زوجیت، ضروری است.^۱

در این خصوص که آیا علاوه بر سوءنیت عام، سوءنیت خاص قصد ایجاد تعهد مالی (در ادعای زوجیت) و قصد عدم ایفاء تعهد مالی (در انکار زوجیت) ضروری است یا خیر، باید گفت از ظاهر مواد ۱ و ۲ قانون انکار زوجیت این گونه مستفاد می‌گردد که این دو باید موجود باشند اما گنجانندن آن در قالب قصد خاص ضروری نیست. در واقع وجود دعوی مالی که انکار یا ادعا در مقابل آن یا برای آن صورت می‌گیرد، شرط تحقق جرم است نه قصد خاص مرتکب. بنابراین چه بسا زوج که در مقابل دعوی مالی زوجه منکر زوجیت می‌شود صرفاً به منظور شانه خالی کردن از ایفای تعهدات مالی ناشی از زوجیت چنین انکاری را مرتکب نشود بلکه قصد دیگری داشته باشد مانند متضرر کردن حیثیتی زن یا آن که به جای قصد، انگیزه‌ای را مدنظر قرار دهد مانند آن که بدین وسیله می‌خواهد از تزلزل زندگی خانوادگی موجود خود که ممکن است با اطلاع همسر اول از ازدواج مجدد ایجاد شود، پیشگیری نماید. با توجه به ارکان جرم انکار زوجیت، دادگاه رسیدگی کننده به دعوی مالی، باید زوج را به مجازات محکوم نماید. بنابراین دادگاه صالح همان دادگاه حقوقی است و نیازی به دخالت دادرسی در مرحله‌ی تعقیب و تحقیق نیست.^۲ این برداشت با توجه به وجود دادرسی در زمان تصویب قانون موضوع بحث تأیید می‌شود. در واقع دادگاه به جرم انکار زوجیت متعاقب دعوی مالی رسیدگی می‌نماید و با عنایت به این که اتخاذ تصمیم در دعوی مالی منوط به احراز صحت یا سقم انکار مرد بر زوجیت است لذا برای مجازات زوج منکر زوجیت، تحقیق دیگری لازم نیست. اما به این موضوع در جرم ادعای زوجیت تصریح

^۱ زکوی، مهدی، بزه دیدگان خاص در حقوق خانواده، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۹۵، ص ۹۳

^۲ نجفی، علی؛ دانشنامه حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی و کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳،

نگردیده است. لکن با توجه به میزان مجازات هر دو جرم و با عنایت به ارتباط احراز جرم با نتیجه‌ی دعوی مالی به نظر می‌رسد رسیدگی به جرم ادعای زوجیت نیز توسط دادگاه رسیدگی کننده به دعوی مالی ممکن است.^۱

رابطه‌ی زوجیت آثار مهمی دارد که از آن جمله می‌توان به نسب فرزندان حاصل از این علقه، التزام همسر (زوجه) به حفظ حریم خانواده و عدم ارتباط با ازدواج با دیگری و تمکین از زوج و همچنین تکلیف زوج به اجرای تکالیف مالی خود نسبت به خانواده از جمله انفاق اشاره کرد. وجود این آثار مهم ایجاب می‌نماید تا قانون‌گذار نسبت به کسی که به انکار علقه‌ی زوجیت موجود بر می‌خیزد با ادعای وجود علقه‌ای را می‌نماید که موجود نیست واکنش نشان داد. چنین واکنشی در قوانین ایران پیش‌بینی شده است و انکار زوجیت موجود و ادعای بر زوجیت غیر موجود جرم انگاری گردیده است. از دیگر سو این اقدام قانون‌گذار از کیان خانواده حمایت کرده و ثبات خانواده را میسر می‌سازد زیرا در صورتی که قانون‌گذار به حمایت شایسته از نهاد خانواده در این موارد نپردازد استواری روابط در خانواده با تهدید مواجه گشته و از سوی اشخاص نامعلوم با آسیب مواجه می‌شود که این مقوله نه تنها تحکیم خانواده را با چالش مواجه می‌سازد بلکه می‌تواند اثرات جبران ناپذیری به صورت غیر مستقیم بر اعضای خانواده داشته باشد. حتی این خطر می‌تواند از سوی اعضای خانواده نیز واقع گردد. به عنوان مثال پس از چندی پدر یا مادر اصل نکاح را زیر سؤال برده و به هر بهانه‌ای از ایفای وظایف زوجیت و یا حتی وظیفه خطیر پدری یا مادری خود امتناع ورزند.^۲ در واقع باید گفت نهاد خانواده برای اعضای آن همچون دژ محکمی می‌ماند که مأمن جسم و روح ایشان است و در صورت فقدان یا آسیب به آن، اعضای خانواده نیز آسیب خواهند دید. از همین رو قانون‌گذار ایران در اقدامی شایسته کوشیده است تا با جرم انگاری انکار یا ادعای زوجیت در راستای حمایت از بنیان خانواده و تحکیم

^۱ بیگی، جمال، جرایم خانواده در حقوق ایران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۱۴۵

^۲ محسنی، منوچهر، جامعه شناسی خانواده، نشر طهوری، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶

آن قدم بدارد.

بند دوم: نقد و بررسی موضوع

همانطور که در بالا اشاره شد اینکه آیا ارتکاب جرائم مزبور در مورد ازدواج موقت نیز متصور است یا خیر مورد ابهام است. صدر ماده‌ی یک قانون راجع به انکار زوجیت در خصوص دعوی زن راجع به حقوق مالی ناشی از عقد ازدواج، صداق، نفقه را از باب تمثیل آورده ولی همانطور که توضیح داده شد ذکر مثال نفقه، نشان دهنده‌ی اختصاص این جرائم به نکاح دائم ندارد و اگر چه مطابق ماده‌ی ۱۱۱۳ ق. م در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد اما جمع نفقه و مهریه در ماده‌ی یک برای تحقق جرم لازم نیست. همچنین با عنایت به اصطلاح «عقد ازدواج» در ماده‌ی یک و «زوجیت» در ماده‌ی دوم قانون راجع به انکار زوجیت، دائمی بودن نکاح مورد انکار یا مورد ادعا، شرط تحقق جرم نیست با این وجود به نظر می‌رسد رفع ابهام در این خصوص و تصریح شمول یا عدم شمول ماده به عقد ازدواج موقت ترجیح دارد.

بخش سوم: ضرورت جرم انگاری انکار زوجیت از سوی زوجه و ادعای زوجیت از

سوی زوج

بند اول: نگاهی به سابقه تقنینی موضوع

همانطور که اشاره شد در انکار زوجیت، زوج مرتکب جرم می‌باشد و دعاوی زوجه نسبت به زوج ناشی از رابطه‌ی زوجیت است و اگر مربوط به فرزند نباشد، صرفاً مالی است. به عکس دعاوی زوج نسبت به زوجه ناشی از رابطه‌ی زوجیت، دعوی غیر مالی است مانند الزام به تمکین یا منع اشتغال. بنابراین ادعای زوجیت به منظور کسب منفعت مالی صرفاً از ناحیه‌ی زوجه به عمل می‌آید و انکار زوجیت به منظور نفی مطالبات مالی، صرفاً از طرف زوج قابل تحقق است. اما این که چرا مقنن انکار زوجیت از سوی زوجه و ادعای زوجیت از سوی زوج را جرم انگاری ننموده است جای سؤال دارد. آیا مفسده‌ای که از جرائم مدنظر مقنن حاصل می‌شود بیش از مفسده‌ی حاصله از دو مورد اخیر است؟ شاید مقنن نظر بر آن داشته است

که آنچه علت ادعای زوجیت است حاصل شدن نفع مالی است و آنچه علت انکار زوجیت است دفع تعهد مالی است اما نتایج غیر مالی ناشی از زوجیت آثار سوء بیشتری نسبت به نتایج مالی آن دارد. به عنوان مثال حیثیت زنی که با ادعای بی‌اساس زوجیت توسط مردی لک‌دار شده است قابل ترمیم نیست یا ضرر معنوی ناشی از انکار زوجیت از ناحیه‌ی زن در مقابل دعوی الزام به تمکین مرد غیر قابل انکار است. بنابر این شایسته بود مقنن امکان ارتکاب هر دو جرم را از سوی زن و مرد (هر دو) مقرر می‌داشت و به دعوی ناشی از زوجیت (اعم از مالی و غیر مالی) توجه می‌کرد.^۱

بند دوم: نقد و بررسی موضوع

متأسفانه امروزه قانون راجع به انکار زوجیت به یک قانون متروک تبدیل شده است. این موضوع شاید به جهت عدم تحول این قانون با توجه به مقتضیات روز باشد زیرا میزان جزای نقدی در نظر گرفته شده در قانون بسیار کم است از سوی دیگر مطابق ماده‌ی ۳ قانون نحوه‌ی وصول برخی از درآمدها به نفع دولت، حبس کمتر از نود و یک روز لاجرم به جزای نقدی از ۷۰۰۰۱ ریال تا یک میلیون ریال تبدیل می‌گردد. اما این امر به تنهایی علت متروک ماندن این ماده نیست. علت را در دو چیز باید جستجو کرد: اول آنکه امروزه رویه‌ی دادگاهها بر پذیرش سند رسمی ازدواج در دعوی مربوط به مطالبات مالی ناشی از زوجیت است و در مواردی که زن با سند عادی نکاح یا حتی بدون آن، دادخواست مالی به طرفیت مرد می‌دهد او را دلالت به تقدیم دادخواست ابتدایی تحت عنوان اثبات زوجیت می‌نمایند. این روش با توجه به هدایت دعوی توسط معاون ارجاع و همچنین تشکیل واحدهای پذیرش در مجتمع‌های قضائی، عمومیت یافته است. بنابراین اگر چه مطابق ماده‌ی ۲۶ ق. آ. د. د. ع. آ. م که طبق ماده‌ی ۵۸ ق. آ. د. د. ع. آ. ک، در امور کیفری نیز جاری است، تشخیص صلاحیت با خود دادگاه است اما در عمل معاونت‌های ارجاع در نحوه‌ی ارجاع پرونده به دادگاهها اعمال اراده می‌نمایند. این در حالی است که اقامه‌ی دعوی ناشی از

^۱ بلالی، اسماعیل، زنان و پیامدهای ازدواج، کتاب زنان، سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۶۸

زوجیت نیازمند ثبت رسمی نکاح نمی‌باشد و کمیسیون قضات نیز «عدم رعایت ضوابط قانونی در ثبت واقعه‌ی ازدواج را مانع طرح دعوا» ندانسته است. به هر حال عدم ارجاع دعاوی مربوط به حقوق مالی ناشی از زوجیت به دادگاه‌ها مانع از فراهم آوردن زمینه‌ی ارتکاب جرائم انکار یا ادعای زوجیت می‌گردد.

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری این مقاله باید گفت انکار زوجیت موجود به قصد عدم ایفای تعهد مالی ناشی از زوجیت است و ادعای زوجیت غیرموجود به قصد عدم ایفای تعهد مالی ناشی از زوجیت است و ادعای زوجیت غیر موجود به قصد استفاده ی مالی ناشی از زوجیت است. جرایم انکار زوجیت یا ادعای زوجیت، از جرایم مطلق است که نیاز به تحقق نتیجه خاص ندارد. رفتار فی یکی جرم انکار زوجیت و ادعای زوجیت، مثبت و عبارت از هر فعل یا گفتاری است که صراحتاً موید انکار زوجیت یا ادعای بر آن باشد و شرط صریح بودن، در شرایط لازم برای تحقق جرم می‌گنجد. عبارت های «انکار کند» و «مدعی زوجیت با دیگری شود، عبارت انکار زوجیت عام است می‌توان زوجیت سابق را در برگیرد. هرکس اعم از مرد یا زن، به هردلیلی در دادگاه، وجود رابطه ی زوجیت را منکر شود، لیکن ثابت شود که این انکار زوجیت بی اساس و واهی بوده است، منکر به حبس تعزیری درجه ی ۶ و یا جزای نقدی درجه ی ۶ محکوم می‌شود. قانونگذار حتی این حکم را در مورد قائم مقام قانونی، اشخاصی که با علم به وجود رابطه ی زوجیت، آن را در دادگاه خانواده انکار کنند نیز جاری و ساری دانسته است. با عنایت به اینکه ممکن است اشخاصی برخلاف واقع به صورت کاملاً بی اساس و واهی، مدعی وجود رابطه ی زوجیت با دیگری شوند نیز به مجازات مذکور محکوم می‌شوند.

گاهی قائم مقام قانونی اشخاص، ممکن است به دلایل واهی، با طرح شکایت کیفری یا اقامه ی دعوای حقوقی، مدعی زوجیت گردند. در این صورت نیز قانونگذار اقدامات انجام گرفته را جرم دانسته و برای آن مجازات موصوف را در نظر گرفته است. ماده ۵۲ قانون حمایت از

خانواده مصوب ۱۳۹۱ "زوجیت" را به نحو مطلق بیان نموده، بنابراین می توان زوجیت منقطع، را نیز شامل گردد. با توجه به اینکه مجازات این جرم در درجه ۶ در طبقه بندی مجازات ها قرار می گیرد لذا تعزیر منصوص می باشد، با توجه به قابل گذشت بودن جرم ادعا و یا انکار زوجیت لذا در صورت گذشت شاکی خصوصی قابلیت ترک تعقیب را دارد، جرم ادعا یا انکار زوجیت در صورت گذشت شاکی شامل مجازات های جایگزین حبس می شود. ادعای زوجیت می تواند در قالب طرح هر نوع دعوایی، مالی و یا غیر مالی و یا حقوقی و یا کیفری محقق شود، انکار زوجیت را در "دادگاه" قابل تحقق می داند، اما ادعای زوجیت با طرح شکایت کیفری نیز در دادسرا می تواند مورد رسیدگی مقدماتی قرار گیرد و سپس در دادگاه رسیدگی شود. در نهایت باید توجه داشت آثار حقوقی ادعای زوجیت تاثیر آن به قصد استفاده ی مالی از تعهدات ناشی از زوجیت مانند پرداخت نفقه می باشد. آثار حقوقی انکار زوجیت تاثیر آن به قصد عدم ایفای تعهد مالی ناشی از زوجیت است (مانند عدم پرداخت نفقه).

منابع و مآخذ

الف) کتب

- آشوری م، ۱۳۹۵، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، چاپ اول، کتابخانه گنج دانش.
- انوری ح، ۱۳۸۳، فرهنگ بزرگ سخن، نشر مهارت، چاپ دوم.
- بابایی، م ع، ۱۳۹۰، جرم‌شناسی بالینی: تحولات مفهوم حالت خطرناک، چاپ اول، میزان، بوشهری ج، ۱۳۸۷، حقوق جزا، اصول و مسائل، ج ۱، چ ۲، شرکت سهامی انتشار.
- بیکس ب، ۱۳۹۰، فرهنگ نظریه حقوقی، تهران، انتشارات نی، چاپ اول.
- پرادل ژ، ۱۳۷۳، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، بهار.
- جعفری لنگرودی م ج، ۱۳۸۵، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ شانزدهم.
- حاجی ده آبادی ا، ۱۳۸۵، بایسته های تقنین، قم، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- حیاتی ع، ۱۳۸۹، مقدمه علم حقوق، نشر میزان، چاپ پنجم، پاییز.
- دلماش‌مارتی م، ۱۳۸۷، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۲، چ ۱، تهران: میزان، چاپ اول.
- راسخ م، ۱۳۸۹، بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- رایجیان اصلی م، ۱۳۹۰، بزه دیده شناسی، (جلد یکم)، نشر شهر دانش، چاپ اول.
- زکوی م، بزه ۱۳۹۵، دیدگان خاص در حقوق خانواده، نشر مجد، چاپ اول.
- ساکت م. ح، ۱۳۹۵، حقوق شناسی، دیپاچه ای بر دانش حقوق، نشر ثالث، چاپ اول.
- سلیمی ع و داوری م، ۱۳۸۶، مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی، (جامعه شناسی کجروی، نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، تابستان.
- صانعی پ، ۱۳۸۱، حقوق و اجتماع، انتشارات طرح نو، چاپ اول.

گسن ر، ۱۳۹۰، مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپخانه علامه طباطبائی، چاپ اول، پاییز.

گیدنز آ، ۱۳۷۷، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن تلاشی، تهران، نشر مرکز.

محسنی م، ۱۳۹۴، جامعه شناسی خانواده، نشر طهوری، چاپ اول.

محمدی فخر ز، سن مسولیت کیفری از دیدگاه صاحب نظران، نشریه ماوی، شماره ۶۶۰

معظمی ش، ۱۳۸۳، بررسی جرم شناختی جرایم زنان، علوم جنایی، (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری) نشر سمت، چاپ اول، پاییز.

(ب) مقالات

امیدی ج، ۱۳۸۲، «مبانی عدالت در حقوق کیفری و حقوق بشر»، نشریه مجلس و پژوهش، س ۱۰، ش ۳۸، تابستان.

جواهری ج، معرفی مطالعات زنان، نشریه فصل زنان، به کوشش نوشین احمدی خراسانی، فیروزه مهاجر، آزاده بیزار گیتی، پروین اردلان، بی تا.

جیربورگ ن، ۱۳۹۰، «جرم انگاری همچون آخرین چاره»، ترجمه رحیم نوبهار و فاطمه نوبهار، نشریه تحقیقات حقوقی، ش ۵۳، بهار.

چلپی م، روزبهرانی ت، ۱۳۸۱، نقش خانواده به عنوان عامل و مانع بزه کاری نوجوانان با تکیه بر نظم خانواده، نشریه پژوهشنامه علوم انسانی، چاپ اول.

حبیب زاده م. ج و زینالی، ا. ح، ۱۳۸۴، «درآمدی بر برخی محدودیت های عملی جرم انگاری»، نشریه نامه حقوقی، ج ۱، ش ۱.

زارعی م. ح، ۱۳۸۶، «امنیت قضایی به مثابه حق»، نشریه مجلس و پژوهش، س ۱۴، ش ۵۶.

شهرام نیا ام، ۱۳۸۲، «قرارداد اجتماعی در آراء اصحاب کلاسیک و جدید آن»، نشریه سروش اندیشه، س ۲، ش ۷ و ۸، پاییز و زمستان.

مجیدی م، ۱۳۸۸، «جلوه های ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در فرانسه»، نشریه حقوق و علوم سیاسی، د ۳۹، ش ۲، تابستان.

ج) پایان نامه ها و رساله ها

ابراهیمی، ش، ۱۳۸۷، «پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر»، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، خرداد.

جاهد، ۱۳۸۳، «ضرورت جرم زدایی در حقوق کیفری ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

محمودی جانکی ف، ۱۳۸۲، مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران.

چ) منابع انگلیسی

۱. Fuller I, ۱۹۹۷, the morality of law ۱۹۹۷, p۸۹, rev, ed, , Helen
yu and Alison guernesey, what is rule of law, internet site.
۲. Joys Bryant, democracy speaks through criminal law? www.
yale. edu
۳. Kenan P, towards the criminalization of dictatorship:a draft
proposal for an international convention on dictatorship,
buffalo human rights law review, vol ۱۴.
۴. Schonsheek J, ۱۹۹۴, On criminalization, an essay in the
philosophy of the criminal law, kluwer academic publishers.
۵. Waldron, J, ۲۰۰۸, the concept of rule of law, new york
university school of law,nowember.
۶. <http://legal-dictionary.thefreedictionary.com/privacy>
۷. [www. ۱canadian. org/۲۰۰۹/۰۲/blog-post_۸۷۳. html](http://www.canadian.org/2009/02/blog-post_۸۷۳.html)
۸. [www. oup. /uk/orc/bin/۹۷۸۰۱۹۹۲۸۹۳۵۶/herring_ch۰۱. pdf](http://www.oup./uk/orc/bin/۹۷۸۰۱۹۹۲۸۹۳۵۶/herring_ch۰۱.pdf)
۹. [www. wikipedia. com](http://www.wikipedia.com), social contract

